هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

تشدید فقر و گرسنگی به اقدامات عاجل نیاز دارد
ص۲

افغانستان و میهمانان !مشکل آفرین
ص۳

امنیت، هدفی که برآورده نشد
ص۲

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و دوم شنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۷– ۲ ذوالقعده ۱۴۲۹ – 1 November 2008

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال در ولسوالی بهارک ولایت پنجشیر:

مسجد تجلی گاه عزت و عظمت مسلمانان و یکپارچگی آنان است



اشاره

روز جمعه سه عقرب استاد برهان الدین ربانی جهت افتتاح مسجد و بند برقی در منطقهٔ بهارک ولایت پنجشیر دعوت شده بودند. مردم از استاد به گرمی زاید الوصفی استقبال کردند و بدین مناسبت همایش بزرگ ترتیب داده بودند، استاد در این همایش سخنرانی مبسوطی ایراد کردند و دربارهٔ اهمیت مسجد در فرهنگ و دین اسلامی و پیوند آن با مسائل سرنوشت ساز مسلمانان سخن گفتند، ایشان به مسألهٔ انتخابات و اهمیت آن تأکید کردند و از مردم خواستند با هوشیاری و توجه زیاد به آن برخورد کنند و اکنون برای آمادگی ثبت نام کنند و کارت رأی دهی اخذ نمایند. ما در این جا بخش مربوط به اهمیت مسجد از آن سخنرانی را نشر می کنیم. ادامه درص۵

در ماندن طالبان در کشتن نان جویان

مصطفی شهری

یک گروه بیش از سی نفری جوانان لغمانی توسط طالبان دو هفته پیش در ولسوالی میوند ولایت قندهار به قتل رسیدند. این جوانان که در پی به دست آوردن نان و تأمین زندگی خانواده هایشان جهت کار یابی رهسپار کشور ایران بودند توسط طالبان از بس پیاده کرده شدند و در کنار جاده به گلوله بسته شدند.

بهانهٔ طالبان برای کشتن این جوانان تعلق آنان به اردوی ملی بود، طالبان گفتند که آنان نه کارگران عادی بلکه افرادی بودند که به دعوت والی هلمند گلاب منگل جهت پیوستن به واحدهای اردوی ملی عازم این ولایت بودند.

کشتار بی رحمانه و فاجعه آمیز این جوانان مظلوم موجی گسترده از اعتراضات را در سراسر کشور بر ضد طالبان برانگیخت ادامه درص۷

په اسلام اباد کې د امن ګډه جرګه ګی څه لاس ته راوړنې لري؟

شفیق

د افغانستان او پاکستان ترمینځه د امن ګډه جرګه ګی چې د اکتوبر د میاشتې په اوه ویشتمه د پاکستان په پلازمینه اسلام آباد کې دابره شوې وه، د سه شنبې په ورځ د یوه پریکړه لیک په صادرولو سره پای ته ورسیده.

د امن ګډه اوسنی جرګه ګی د تېر کال د هغې ګډې پراخې جرګې دوهم پړاؤ وُ چې د اګست په میاشت کې له دواړو هېوادونو څخه د اوه سوو غړو په ګډون په کابل کې دابره شوې وه او موخه یې په دواړو ګاوندیو هېوادونو کې او په ځانګړې توګه د دواړو لوریو د ګډ سرحد دواړو غاړوته پاتې پر۷مخ

غلط آموزی زبانی در درامه های هندی

قابل توجه ترجمه کنندگان و بینندگان

ص۴

جنایتکاران ترسی ندارند

احمد مهدی



عدم تطبیق مجازات مجرمین و جنایتکاران یکی از ضعف های دولت کنونی است که عامل اصلی افزایش جرم و جنایت در کشور دانسته می شود. شمار فراوان آدم ربایی، قتل، دزدی، تجاوز جنسی، غصب خانه و اموال و جنایات دیگر نشان می دهد که جنایتکاران هیچ ترسی از دولت ندارند، با خیال راحت دست به جنایت می زنند و از این طریق، پول و امکانات به دست می آورند.

ارگان ها و دستگاه های مختلف دولت که به نحوی وظایف مرتبط با مبارزه و کنترل با جرایم را دارند، مسؤولیت ناشی از غفلت و ضعف خویش را نپذیرفته، گناه را به گردن ارگان دیگر می اندازند.

پولیس که وظیفهٔ دستگیری مجرمین را دارد، متهم است که در برخی جنایت ها شرکت داشته و عمداً مجرمین را رها می سازد. دلیل این ادعا موارد فروان جنایت است که هیچ گاه عاملان آن دستگیر نمی شوند. اما پولیس این اتهام را رد نموده مسؤولیت را متوجه دستگاه های قضایی می داند و ادعا دارد، جنایتکاران را دستگیر و به ارگان های عدلی و قضایی تسلیم می کند، اما این ارگان ها، آنها را بی گناه ثابت نموده آزاد می سازند ادامه درص۳

وزارت اطلاعات و فرهنگ مورد حملهٔ انتحاری قرار گرفت

به روز پنجشنبه ۹ عقرب یک حملهٔ تروریستی بر ساختمان وزارت اطلاعات و فرهنگ صورت گرفت، بر اثر این حمله که طالبان مسؤولیت آن را به عهده گرفتند ۵ تن کشته و شماری از کارمندان این وزارت جراحت برداشتند.

این حمله توسط سه تن صورت گرفت، یکی از حمله کنندگان خود را در داخل ساختمان وزارت منفجرنمود و حمله کننده دومی توسط نیروهای امنیتی دستگیر گردید، گفته شده یکی از حمله کنندگان ناپدید شده است که احتمالا فرار نموده باشد.

در این حمله وزیراطلاعات و فرهنگ درخارج وزارت بوده و آسیبی ندیده است. آقای خرم سال گذشته در یک حملهٔ مرگبارطالبان در ولایت قندهار به شدت زخمی شد. طالبان ادعا کرده اند که قصد داشتند مشاوران خارجی وزارت اطلاعات و فرهنگ را مورد حمله قراربدهند.

طالبان درحالی بر وزارت فرهنگ حمله نمودند که گزارش های از مذاکرات دولت با این گروه به نشر می رسد. برخی عقیده دارند شاید هر دو گروه در آستانه دور جدید مذاکرات، قدرت نمایی نمایند و بخواهند نشان دهند که از موضع قدرت با طرف دیگر مذاکره می کنند.

چرا تولید تریاک افت داشته است؟

هابیل



براساس یک گزارش دولت امریکا، تولید تریاک در افغانستان امسال حدو ۳۰ در صد افت داشته است.

گزارش ادارهٔ ملی کنترول مواد مخدر کاخ سفید مقدار تریاک تولید شده در افغانستان که اخیراً انتشار یافته در سال جاری را با افتی ۳۱ در صدی، ۵۵۰۰ تن برآورد نموده.است. در سال ۲۰۰۷ در افغانستان ۸۳۰۰ تن تریاک تولید شد که ۹۳ درصد کل تریاک جهان را تشکیل می داد.

براساس گزارش کاخ سفید، میزان کشت تریاک در افغانستان امسال ۲۲ در صد کاهش داشته است.

گزارش کاخ سفید با گزارش سازمان ملل تفاوت زیاد دارد. در گزارش سازمان ملل که دوماه پیش انتشاریافت میزان کاهش حاصلات تریاک را ۶ در صد و میزان کاهش کشت آن را ۱۹ درصد اعلام کرده بود. براساس گزارش سازمان ملل حاصل دهی تریاک در افغانستان امسال افزایش داشته است، ادامه درص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

تشدید فقر و گرسنگی به اقدامات عاجل نیاز دارد

فقر و گرسنگی در کشور روز تا روز دامنه های وسیعتری می یابد و شمار بیشتر شهروندان با خطر گرسنگی و مرگ ناشی از آن روبرو می شوند، طبق آمار رسمی سازمان ملل، که به مناسبت روز جهانی مبارزه با فقر در ۱۷ اکتوبر امسال اعلان شد، حدود ۲۰ میلیون نفر در کشور فقیر شده اند.

ملل متحد، افغانستان را در سال گذشته در جمع پنج کشور از فقیر ترین کشورهای دنیا ثبت نموده است، در حالی که در سال گذشته به علت باران های به موقع، تولیدات زراعتی در افغانستان در سطح قناعت بخشی بود، آنچه که وزارت زراعت افغانستان را بر آن داشت ادعا کند که با اجرای طرح های کشور را در تولید مواد غذایی به خود کفایی نزدیک نموده است، اما امسال با کاهش بیش از یک میلیون تن تولید گندم، شاید افغانستان در پایان لست فقیرترین کشورهای دنیا قرار گرفته باشد. و در فقر نیز مانند تولید مواد مخدر، مقام نخست را در جهان به دست آورده باشد.

طبق برآورد منابع معتبر بین المللی، امسال بیش از ۴۰ در صد مردم افغانستان به کمک مواد غذایی نیاز دارند و در صورتی که کمک های به موقع به ان ها نرسد، در معرض گرسنگی شدیدو حتا مرگ قرار خواهندگرفت.

هم اکنون هزاران نفر در شمال، شرق و غرب کشور در نتیجهٔ گرسنگی که ناشی از خشک سالی امسال است، جهت یافتن نان و آب خانه های خویش را ترک نموده اند.

در پهلوی خشک سالی که کمبود مواد غذایی را به دنبال داشت، عوامل دیگرمانند تشدید جنگ و نا امنی و بیکاری بر مشکلات مردم افزوده است.

افزایش نرخ مواد غذایی در جهان نیز، عامل دیگری است که دسترسی به مواد غذایی را بیش از بیش برای مردم افغانستان دشوارتر ساخته است.

بیم آن وجود دارد که امسال در زمستان، دسترسی خانواده های فقیر به غذا و مواد سوخت دشوار تر شود، گرسنگی و فقر، قحطی زدگان و گروه های آسیب پذیر جامعه را به صورت بی سابقهٔ تحت فشار قرار داده است.

با وجود این وضع اسفناک، از یک جانب دیده می شود، دولت از هفت سال بدین سو هیچ طرحی درازمدت یا میان مدت برای بهبود وضعیت اقتصادی به اجرا در نیاورده و با وجود سرا زیر شدن مساعدت های بین المللی، هیچ گامی در جهت توسعهٔ زراعت و افزایش تولیدات مواد غذایی برنداشته است، آب های افغانستان همچنان بدون کمترین استفادهٔ به کشورهای همسایه سرا زیر می شود.

از جانب دیگرآمادگی کافی، برای طرح های کوتاه مدت و عاجل به منظور مقابله با خشک سالی و گرسنگی دیده نشده و تا هنوز کمکی در اختیار نیازمندان قرار نگرفته است.

اکنون گروه های مختلفی از مردم در معرض فقر و گرسنگی قرار گرفته اند درشهرها به علت بلند رفتن قیمت ها و ثابت بودن درآمد و در روستا ها، به دلیل پائین آمدن حاصلات، خانواده های زیادی به کمک و مساعدت های عاجل غذایی نیاز شدید دارند.

دولت باید در گام نخست تدابیر کافی برای کمک به گروه های آسیب پذیر جامعه که، در معرض گرسنگی شدید قرار گرفته اند روی دست بگیرد، این تدابیر می تواند به شکل کار در برابر غذا در روستاها راه اندازی شود، در شهرها باید به خانوادهٔ های فقیر توزیع غذا و مواد سوخت به صورت رایگان انجام یابد.

اگر چنانچه این تدابیر روی دست گرفته نشود، بیم آن وجود دارکه شمار زیاد مردم در معرض گرسنگی و فقر شدید قرار گرفته و فاجعه انسانی رخ دهد.



امنیت، هدفی که بر آورده نشد

ابوبکر سبزوار

حکومت آقای کرزی ماه های آخر عمر قانونی خود را سپری می کند. وقتی جریانات هفت سالی را که گذشت مرور می کنیم، می بینیم که هیچگاه و در طول تاریخ این سرزمین، تا این حد در محراق توجه جهانی قرار نداشت. هیچگاهی این همه کمک به این کشور نیامد و در عین حال مردم یکی از ناکار آمدترین حکومت ها را تجربه می کنند.

مردم افغانستان سخت صبور اند و چنان با ناملایمات خو گرفته اند که هر تغییر کوچکی را با شادمانی استقبال می کنند اما در طول هفت سال گذشته مواردی که شادمانی به ارمغان بیاورد اندک بود. مردم صبورانه انتظار بهبود وضع را کشیدند اما سرانجام ان شد که باید می شد یعنی دیگر مردم نه امیدی به بهبود وضع در سایهٔ این حکومت دارند ونه به آیندهٔ خودشان. یک بنیاد امریکایی به نام (ایشیا فوندیشن) طی یک گزارش مبتنی بر آمار، اکثریت مردم افغانستان را مأیوس از آینده خواند.

بحرانی که ما امروز با آن دست به گریبان هستیم به یک تعبیر بحران ناشی از ناامیدی است. پس ازسال ها قبول ناملایمات وقتی امریکا کمر به کمک به افغانستان بست، مردم افغانستان بارقهٔ امیدی را در دل های شان احساس کردند. آنها به این گمان بودند که درقدم نخست چاره یی برای فقر سنجیده خواهد شد و مردم مجال دستیابی به فرصت های شغلی را خواهند یافت اما از همان آغاز، بنیاد پیشرفت واعتلای این کشور بر حرف نهاده شد. حکومت با حرف می خواست افغانستان را در قطار کشورهای مترقی جهان شامل سازد. امریکا با حرف می خواست در قدم اول این ملت را دیموکرات به شیوه یی که برای غرب قابل قبول باشد بسازد. کشوری که یک شبه از نظام طالبان به سوی دموکراسی کشانده می شود، باید چنین سرنوشتی داشته باشد. مگر در امریکا و کشور های اروپایی دموکراسی در یک شب یا یک روز برقرار شد؟

مردم در قدم اول نیاز به تغییری در زندگی اقتصادی خود داشتند اما دولت ناکارآمد به این نیاز توجهی نکرد. حتی امروز پس از هفت سال برای مردم پایتخت این کشور مبرم ترین نیاز یعنی برق و آب آشامیدنی صحی یک رویاست. وزیر صحت این کشور ادعا می کند که برای هشتاد درصد از مردم خدمات اولیهٔ صحی مهیا شده است اما وقتی مردم دچار بیماری کولرا می شوند، مقامات این وزارت از شرم نمی گویند که در این قرن بیست و یکم و در فصل سرما بیماری کولرا چگونه شیوع یافته است آنها می گویند که این بیماری کولرا نیست اما شبیه کولراست! کسی نیست که از این وزیر محترم بپرسد که چه این بیماری کولرا باشد وچه شبیه کولرا، چه فرقی به حال مردم می کند که باید بمیرند؟

مصارف نظامی نیروهای خارجی در

> **این که پس از هفت سال مردم ما از نظر اقتصادی همان قدر درگیر مشکلات اند که در دوران طالبان بودند خود نشان می دهد که خارجیان برای مبارزه به آنچه که مبارزه با تروریسمش می نامیدند فقط به راه حل نظامی توجه داشتند واین مسأله که باید با فقر زدائی و بهبود زندگی مردم افغانستان و ایجاد یک اداره‌ء سالم در این کشور جنگ زده اقدام به خشک ساختن ریشه های تمایل به خشونت نمایند، اصلاً در دستور کارشان شامل نبود.**

افغانستان سالانه سر به ده ها هزار میلیون دالر می زند. تنها مصرف نظامی امریکا در افغانستان سالانه ۳۶ ملیارد دالر است. آلمان در سال ۲۰۰۷ در افغانستان ۷۰۰ میلیون دالر (۵۹۳ میلیون یورو) هزینه کرد. اگر ما حد وسط مصارف نظامی ۲۶ کشور خارجی در افغانستان را خیلی کمتر یعنی سالانه فقط ۳۰ ملیارد دالر تخمین نماییم، در طول هفت سال گذشته در این کشور بیش از دوصد میلیارد دالر صرف مصارف نظامی شده است. چقدر صرف تهیهٔ آب آشامیدنی برای مردم افغانستان شده است؟ سربازان خارجی خودشان آب معدنی می نوشند!!

وقتی مصارف نظامی را با هزینه های بازسازی که ادعا می شود به مصرف رسیده است مقایسه کنیم به این نتیجه می رسیم که خارجیان برای جنگ به افغانستان آمده اند نه برای کمک به مردم افغانستان. به همین دلیل است که امروز پس از هفت سال، ناامنی ها به جای این که کاهش یابد، روندی صعودی دارد.

این که پس از هفت سال مردم ما از نظر اقتصادی همان قدر درگیر مشکلات اند که در دوران طالبان بودند خود نشان می دهد که خارجیان برای مبارزه به آنچه که مبارزه با تروریسمش می نامیدند فقط به راه حل نظامی توجه داشتند واین مسأله که باید با فقر زدائی و بهبود زندگی مردم افغانستان و ایجاد یک اداره‌ء سالم در این کشور جنگ زده اقدام به خشک ساختن ریشه های تمایل به خشونت نمایند، اصلاً در دستور کارشان شامل نبود.

با گذشت هر روز ناامنی ها گسترش یافت. اگر بخش هایی از ولایت های جنوب، شرق، و جنوب غرب کشور میدان جنگ طالبان و نیروهای خارجی است، مراکز شهرهای بزرگ جولانگاه باندهای سازمان یافته از جنایتکاران است. این جنایت کاران از سرقت های مسلحانه تا اختطاف ها را با همکاری نیروهای انتظامی انجام می دهند.

در کشوری که شخص گرسنه یی به جرم سرقت یک بوجی آرد محاکمه و محکوم به مجازات می شود اما مجرمین خطرناک پس از مدت کوتاهی از زندان رها می شوند تا دوباره بر سر کار قبلی خود برگردند، آیا می توان به کاهش جرم و جنایت امید بست؟

عجیب است که در زمانی که فضل الهادی شنواری قاضی القضات بود، رسانه های گروهی هرروز در مورد فساد در قوهٔ قضائیهٔ کشور داد سخن می دادند و او را عامل اصلی فساد می دانستند، اما با تغییر در این دستگاه تغییری در کیفیت کار آن و میزان فساد در آن اداره به میان نیامد.

کمپاین بر علیه قاضی القضات به این دلیل صورت می گرفت که شخصی در شمایل یک ملا در این کشور در مقام قاضی القضات نباشد تا جامعه‌ء جهانی بر سیستم قضائی افغانستان اعتماد نمایند.

رئیس امنیت ملی کشور در یک کنفرانس مطبوعاتی به مناسبت رهایی همایون شاه آصفی و عبداللطیف پسر معاون عزیزی بانک گفت که کسی که در این اختطاف نقش اصلی را داشت، فقط چهار ماه قبل از زندان آزاد شده بود. وی از قوهٔ قضائیه خواست تا در چنین موارد مسؤولانه تر عمل کنند و چنین اشخاص را به اشد مجازات محکوم نمایند.

امنیت ملی به مواردی هم اشاره کرد که نشان می داد دست اشخاصی در ارگان های نظامی و انتظامی کشور در این اختطاف ها دخیل است. گفته شد که زمانی که منطقهٔ تره خیل به خاطر رهایی گروگان ها در محاصره قرار داشت، یکی از مجرمین به وسیلهٔ یک موتر رنجرز از محاصره نجات داده شده بود. مردم حق دارند از خود بپرسند که چگونه اشخاصی که از غرب کابل اختطاف شده بودند سر از تره خیل درآوردند. سخن رئیس امنیت ملی گویای بسیاری از اسراری است که باید دولت به آن توجه کند اما ... کدام دولت؟

افغانستان و میهمانان مشکل آفرین!

وحید مژده

میهمانان جدید نامهٔ اقامت دایمی در این میهمانخانه را از شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند و با در دست داشتن چنین مجوزی حق دارند تا در هرخانه یی را به لگد بزنند، هرکسی را دستگیر نمایند و در صورتی که بخواهند، بکشند. آنها حق دارند تا خانه های مردم را بمباران کنند و اطفال وزنان کشته شده را هم در شمار طالبان قلمداد نمایند و ما هم مجبوریم قبول کنیم.

***

آقای کرزی در این سخنان خویش اشاره به نکتهٔ دیگری نیز داشت؛ میهمانان ما غذای خود را با خود آورده و سفره یی را برای ما پهن کرده اند اما هر زمانی که بخواهند این سفره را برخواهند چید!

از قدیم الایام یکی از افتخارات مردم افغانستان مهمان نوازی آنها بوده است. اما در طول چند دههٔ اخیر روابط میان مهمان و میزبان در افغانستان از شکل عنعنوی آن بیرون شده و مهمانان چنان عرصه را بر میزبانان افغان شان تنگ کردند که دیگر به نظر می رسد این سنت حسنه در حال متروک شدن است!

زمانی دوستی با همسایهٔ شمالی موجب افتخار بود و حتی یک سرکارگر روسی در یک پروژه که به کمک کشور دوست ساخته می شد باصلاحیت تر از یک مهندس افغان به شمار می آمد. او مهمان بود اما صلاحیتش از میزبانانش بیشتر بود. ما به این امید بودیم که مهمان برای ما شرایط بهتر زندگی را مساعد می سازد. کاری که ما خود از اجرای آن عاجزیم. مایی که وقتی پای لاف و گزاف پیش آید از پنج هزار سال تاریخ کهن خویش سخن می گوییم، از تمدنی که اجداد ما بنیاد کردند و از حقی که ما به عنوان اخلاف آنان در تمدن امروز جهان داریم.

مهمانان روسی ما با کودتای هفت ثور از صلاحیت های بیشتر از قبل برخوردار شدند. ببرک کارمل که به کمک آنان به قدرت رسید، تا آنجا که در توان داشت در جهت جلب حمایت شوروی ها تلاش کرد. او با روس ها لاف برادری زد اما وقتی متوجه شد که روس ها قصد دارند وی را نیز چون اسلافش از قدرت کنار بگذارند، به مخالفت با مهمانان پرداخت اما دیگر دیر شده بود.

مهمانان روسی می خواستند مهمانخانه را مطابق به میل خود تغییر فورم و دیزاین بدهند که نشد؛ سرانجام مهمانخانه ویران شد اما خانهٔ خود مهمان نیز از گزند روزگار در امان نماند. اتحاد شوروی از میان رفت اما مهمانان جدیدی ما را با قدوم شان سرافراز کردند که آنها هم مشکل آفرین شدند.

این بار مهمانان ما مسلمانانی بودند که اکثراً از کشورهای اسلامی و به خصوص عربی در دوران جهاد علیه مهمان ناخوانده (اتحاد شوروی) به کمک ما شتافتند اما با شکست اتحاد شوروی دیگر کشورهای اصلی خود شان نیز از پذیرفتن آنان خودداری ورزیدند تا مبادا آتش افغانستان به کشور آنها سرایت کند. کشور همسایهٔ ما پاکستان هم که روزگاری پذیرای میلیون ها مهمان بود عرصه را بر مهمانان عرب تنگ کرد و آنان را به افغانستان راند. آنها هم میهمانان ما شدند.

اسامه که روزگاری میهمان پاکستانی ها بود، نتوانست به خانهٔ خودش بازگردد و ناچار راهی میهمانسرای سودان شد اما امریکا دنبال وی را گرفت تا او را به زور از آن میهمانسرا بیرون کرد و میهمان افغانستان ساخت. مثل این که در تقدیر افغانستان چنین است که هرمیهمانی که در هیچ جایی از جهان برایش میهمانخانه یی یافت نشود وهیچکسی کمر به میهمانداری اش نبندد، باید به افغانستان بیاید.

این میهمان برای میزبان مشکل آفرین شد. هرقدر طالبان از وی خواستند تا از مصاحبه و تهدید امریکا وغرب دست بردارد، کمتر شنید. مثل این که وی هم قصد ویران کردن مهمانخانه را داشت.

کلنتن با راکت های از نوع (مونیکا لونسکی) به افغانستان حمله کرد تا میزبانان را در مورد خطری که از این میهمان حرف ناشنو متصور است هوشدار دهد اما میهمانداران، راندن میهمان از خانهٔ خویش را توهین به آداب و رسوم اجدادی و بی احترامی به گور نیاکان خویش دانسته به این خواست امریکا و غرب جواب رد دادند. این میهمان به زودی متهم شد که از میهمانسرای دورافتاده یی در افغانستان طرح واقعهٔ یازدهم سپتامبر را ریخته است. امریکا به افغانستان حمله کرد و امارت اسلامی طالبان که در حقیقت میهمانسرای اسامه بود ویران شد.

میهمانان جدید نامهٔ اقامت دایمی در این میهمانخانه را از شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند و با در دست داشتن چنین مجوزی حق دارند تا در هرخانه یی را به لگد بزنند، هرکسی را دستگیر نمایند و در صورتی که بخواهند، بکشند. آنها حق دارند تا خانه های مردم را بمباران کنند و اطفال وزنان کشته شده را هم در شمار طالبان قلمداد نمایند و ما هم مجبوریم قبول کنیم.

از روز اول مشخص بود که آنها میهمان نیستند بلکه آمده اند تا این خانه را تصاحب کنند. این سخن را اکنون کسی می گوید که به وسیلهٔ همین میهمانان به قدرت رسید.

سخنان آقای کرزی در مورد مشکلی که میهمانان خارجی در افغانستان به میان آورده اند نشان می دهد که وقتی رئیس جمهور این کشور که هفت سال بر این کشور به مدد همین میهمانان حکم راند از این وضع چنین ناراض و ناراحت است، مردمی که در طول این مدت دروازه های خانه های شان به لگد زده شد، بی عزت شدند و یا اقارب شان به دست همین میهمانان کشته شدند چه احساسی دارند.

سخن کرزی که گفت ما در این کشور میهمان هستیم و کسانی که باید مهمان ما باشند خود را صاحب خانه می دانند، یاد آور سخن یک زمامدار قرن نزدهم افغانستان است که به نمایندگان مجاهدین ضد انگلیس گفته بود:

به خدا من در اینجا اسیر هستم اما شمشیر من شمشیر اسلام است. هرکسی که می خواهد می تواند آن را بردارد.

آقای کرزی این دوره را کشنده تر از دوران تجاوز اتحاد شوروی، جنگ های تنظیمی و دوران طالبان خواند و گفت که وضع در آن زمان این گونه نبود.

سخن کرزی که گفت چهل کشوری که به افغانستان آمده اند، خود را صاحب این خانه می دانند و ما را میهمان؛ به وضوح اشاره به اشغال افغانستان توسط نیروهای خارجی دارد. کرزی گفت که ما باید ثابت کنیم که صاحب این خانه هستیم اما نگفت چگونه؟

چگونه می توان حق ملکیت خود به عنوان صاحب خانه را ثابت کرد؟ آیا منظور آقای کرزی راهی به جز جنگ است؟

کرزی گفت که تا خود افغانها ارادهٔ تأمین امنیت در کشور خود را نداشته باشند. یک میلیون سرباز خارجی قادر به تأمین امنیت در افغانستان نیست. کرزی با این سخن به تجارب حاصله در دوران زمامداری خود اشاره دارد اما به این نکته متوجه نیست که در شرایطی که در کشوری نیروهای خارجی حضور داشته باشند چگونه می توان اردوی ملی با احساس دفاع از کشور به میان آورد آن هم به کمک همین نیروهایی که خود را (صاحب خانه) می دانند؟

جذبهٔ دفاع از کشور زمانی به میان می آید که سرباز خود را صاحب این خانه بداند و دفاع از خانه را وظیفهٔ خود بداند. اما وقتی او می بیند که رئیس جمهور کشورش خود را در این خانه فاقد صلاحیت می داند و می گوید که دیگران این خانه را تصاحب کرده اند آیا می توان انتظار داشت سرباز این کشور انگیزه یی برای دفاع از کشوری که دیگر متعلق به خودش نیست داشته باشد؟

آقای کرزی در این سخنان خویش اشاره به نکتهٔ دیگری نیز داشت؛ میهمانان ما غذای خود را با خود آورده و سفره یی را برای ما پهن کرده اند اما هر زمانی که بخواهند این سفره را برخواهند چید!

از این سفره در طول سال های گذشته اکثریت مطلق از مردم افغانستان نصیبی نداشتند. فقط کسانی که با میهمانان این خانه رابطهء (خاص) برقرار کردند بر سر این سفره نشستند. اگر فردا خارجیان این سفره را برچینند، مردم افغانستان متأسف نخواهند شد فقط اطرافیان جناب رئیس جمهور هستند که دیگر انگیزه یی برای ماندن در افغانستان نخواهند داشت و این کشور را ترک خواهند گفت.

جنایتکاران ترس ندارند...

ویا این که دوسیه های آن ها را مورد بازرسی قرار نمی دهند.

قوهٔ قضائیه و سارنوالی نیز ادعا دارند که آنها کار خویش را به وجه احسن انجام داده اند، صدها دوسیهٔ جنایتکاران را مورد بررسی قرار داده و شماری از آنها را به اشد مجازات محکوم نموده اند. دستگاه قضایی می گوید شماری از این دوسیه ها را جهت توشیح رئیس جمهور فرستاده اند اما پس از گذشت ماه ها خبری از سرنوشت آن ها اعلان نشده است.

البته امنیت ملی که تا هنوز موفقیت های قابل ذکری در کشف و دستگیری مجرمین و گروه های جنایتکار داشته، همه ارگان های دیگر دولت را متهم می نماید که اقدامی در جهت مجازات مجرمین نمی کند.

درمیان این فرافکنی مسؤولیت از سوی ارگان های ذیربط دولت آقای کرزی، دشوار است تشخیص داد چه ارگانی مسؤول اصلی عدم مجازات مجرمین می باشد، و چه ارگانی در این رابطه مسؤولیت کمتر دارد، اما این حقیقت همچنان آشکار می ماند که، دولت در تطبیق قانون و جلوگیری از جنایت و دفاع شهروندان، ناتوان است و در این ناتوانی تمام ارگان های دولت، کما بیش مقصر می باشد. واقعیت آن است که مجرمین بیمی از مجازات ندارند و اکثر آن ها با خیال راحت به ارتکاب جرایم مانند قتل، آدم ربایی، دزدی، تجاوز جنسی، غصب و جنایات دیگری می زنند، برخی این مجرمین چندین بار دستگیر شده اند و هربار توسط یکی از ارگان های دولتی مانند پولیس، محکمه و یا حتی ریاست جمهوری آزاد شده اند.

مردم می گویند اکثر مجرمین با نیروی انتظامی رابطه دارند و با اشتراک آن ها دست به جنایت می زنند، آنها یا اصلاً دستگیر نمی شوند و یا این که با دادن رشوه از دستگیری در امان مانند و اگر احیاناً به اثر سهل انگاری و نادیده گرفتن قواعد امنیتی دستگیر شدند، در محاکم با دادن رشوه و یا ارعاب قاضیان تبرئه می شوند و یا احکام خفیف می گیرند. چنانچه رئیس امنیت ملی در مصاحبهٔ اخیر خویش تأکید کرد که که آن اداره مجرمین متکرر را دستگیر نموده است و اگر احیاناً آن ها حکم شدیدتری دریافت نمایند، توسط رئیس جمهور مورد عفو قرار می گیرند، چنانچه دو ماه قبل دو تن از محکومین تجاوز جنسی مورد عفو ریاست جمهوری قرار گرفتند. باید گفت که یکی از راه هایی که اکثر مجرمین بدون سپری نمودن مدت محکومیت رها می شوند فرمان های عفو عمومی است که به مناسبت های سالگرد استقلال کشور، فرا رسیدن عیدین و... صادر می شود.

برخی دیگر اگر اقبال بد داشته باشند و از توشیح رئیس جمهور بگذرند، ادارات و دستگاه های حقوق بشر به داد آنها می رسد و با فشار بر رئیس جمهور و دیگر دستگاه های دولت، سند معافیت آنها را می گیرند. چنانچه رئیس جمهور چند روز قبل در یک اجتماع زنان به این مسأله اشاره کرد و گفت که این ها نمی گذارند من مجرمین را مجازات کنم، آنها کمک ها را قطع می کنند.

اما آن بدبخت مجرمی که نتواند از همهٔ شانس های موجود استفاده کند و حکم اعدام وی قطعی شود بازهم امید باقی است او می تواند با دادن رشوه از زندان ها فرار کند و حتی از پای دار بگریزد، چنانچه در سال جاری یکی از جنایتکاران خطرناک به نام تیمور، که بارها از محاکم و یا محابس رهایی یافته بود، اتفاقاً حکم اعدام به دست آورد اما او موفق شد از این شانس اخیر استفاده به موقع نماید و از پای دار بگریزد و تا هنوز کسی رد پایی از او به دست نیاورده است.

مخمسی بر غزل حافظ

محمد امین متین اندخویی

ما که از پرده برون همچو گیاه آمده ایم | داغ پرورده و با ناله و آه آمده ایم
دردمندیم نه بر مدحت شاه آمده ایم | ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم
از بد حادثه این جا به پناه آمده ایم

زد چو بر دفتر ما کلک قدر دوش رقم | رفت دل رقص کنان جانب گلبانگ قلم
نگذاریم جز این ره به دگر کوچه قدم | رهرو منزل عشقیم، ز سرحد عدم
تا به اقلیم وجود این همه راه آمدیم

هرکجا لاله رخانند بسی نیک سرشت | نتوان دید به رخسارهٔ شان جلوهٔ زشت
دیده از شوق گشودیم به هر مزرع وکشت | سبزهٔ خط تو دیدیم ز بستان بهشت
به طلبگاری این مهر گیاه آمده ایم

دوش کردیم بسر منزل خمار گذار | عالمی بود سیه مست ز جادوی نگار
رندی از عربده نادم شده می سود عذار | آبرو می رود ای ابر خطاپوش ببار
که به دیوان عمل نامه سیاه آمده ایم

نفس اماره که سرمنشأ تفتین و دغاست | مرغ جان را هوس دانه همان حلقه به پاست
موج عصیان بردم سوی بلا این چه شناست | لشکر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست
که در این بحر کرم پر زگناه آمده ایم

چون "متین" سخت دل آزرده ام از رنگ و ریا | جستم امداد، رهم تا که از این دام بلا
هاتفی با نفسی شعله فزا کرد ندا | "حافظ" این خرقه پشمینه بینداز که ما
از پی قافله با آتش و آه آمده ایم

غلط آموزی زبانی در درامه های هندی

قابل توجه ترجمه کنندگان و بینندگان

فقیری

تلویزیون های خصوصی جهت سرگرمی مردم به پخش درامه های هندی می پردازند. این درامه ها به صورت دوبله به زبان های فارسی و پشتو پخش می شود. در مورد محتوا و پیام این درامه ها و تطابق و یا عدم تطابق آن با اعتقادات و باورها و سنت های جامعهٔ ما سخن فراوان است و جنبه های مثبت، آموزنده و اصلاحی آن و همچنین جنبه های منفی، بد آموز و انحرافی آن را می توان در بحث های دیگر مورد بررسی قرار داد. آنچه مورد نظر است، غلط آموزی زبانی ترجمهٔ این درامه ها و در این مقال فقط به دو مورد اشاره می شود:

"خواب" و "فرض"

خواب در زبان فارسی ضد بیداری است و در زبان هندی (اردو) به معنی رؤیاست و معمولاً به معنای خواست، آرزو، تمنا و خواهش قلب است که در آینده تحقق آن آرزو برده می شود.

آنچه را ما "خواب" می گوییم، در آن زبان ها "نیند" گفته می شود، در حالی که در ترجمهٔ درامه های هندی، کلمهٔ "خواب" به کار برده می شود.

همچنین کلمهٔ "فرض" که به تکرار در درامه های هندی به کار برده می شود، در ترجمهٔ دری این درامه ها نیز عین کلمه استعمال می گردد، در حالی که "فرض" در هندی و اردو به معنای وظیفه و وجیبه است و بهتر است که به جای "این فرض من است ..." گفته شود که این وظیفهٔ من است...

فرض در فارسی و اصلاً در عربی به معنای حکم و واجب کردهٔ خدای تعالی است و ما فرایض، واجبات و سنت ها را از احکام دینی می دانیم.

این دو کلمه که به تکرار در درامه ها به صورت اشتباه و غلط به کار برده می شود، آهسته آهسته وارد زبان مردم و به خصوص جوانان می گردد و همان طوری که تقلید از لباس، حرکات و ژست های بازیگران فلم ها و درامه ها مود شده است، به کار بردن این کلمات نیز جزء کلمات روزمره خواهد شد و این تلویزیون هاست که مرتکب چنین غلط آموزی زبانی می گردند.

علی اکبر کاظمی سر پرست حزب اقتدار ملی در گفتگو بامجاهد ...

آقای کاظمی اظهارداشت حکومت افغانستان در ارتباط با هر قضیه یی کمیسیونی تعیین می کند اما هیچگاه پاسخ روشن به مردم نمی دهد. خانوادهٔ شهدا موکلین وکلا متأسفانه از طرف دولت جواب منفی دریافت نموده اند.

آقای کاظمی در زمینهٔ نتایج کار کمیسیون شورای ملی و جبههٔ ملی گفت: هیأت شورای ملی و جبههٔ ملی تحقیقات را آغاز کردند اما تا جایی که ما معلومات داریم، هیات ها زمانی که به ولایت بغلان رفتند با برخورد بسیار نا مناسب مواجه شدند، والی به آنها گفته بود که آمادهٔ پاسخگویی نیست، چون از طرف رئیس جمهور تعیین شده و تنها به ایشان پاسخگو می باشد.

آقای کاظمی معتقد است که موضع گیری دولت در این زمینه شک مردم افغانستان را بر می انگیزد و ثابت می کند که زیر کاسه نیم کاسه یی هست.

آقای کاظمی اظهار داشت: بعد از شهادت کاظمی، حزب اقتدار ملی با فشارهایی روبروست که عمدتاً از سوی دولت ونهادهای مربوط اعمال می شود. وی باوردارد که دولت افغانستان تحمل فعالیت احزاب و نهادهای مدنی را ندارد و هر اقدامی که برای اصلاح دولت از سوی احزاب مطرح شود آن را رد می کند.

آقای کاظمی در پاسخ این سوال که چه عاملی باعث شهادت کاظمی گردید گفت: شهیدکاظمی مانند سایر شخصیت ها چون قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه و شهید مزاری و... از یک دید ملی برخوردار بود و در فکر شگوفایی و آبادی وطن بود. برنامه یی برای مدیریت، سیاست و اقتصاد کشور داشت. بنا دشمنان حضور وی را تحمل نکرده نا جوانمردانه او را به شهادت رساندند.

بزرگ داشت از رودکی در هرات ...

در این مقالات که برخی او را کور مادر زاد می گفتند و برخی جور مادر زاد، آقای احمدوف از اکادمی علوم تاجیکستان یاد آورشد که این مناقشه یی است که میان علاقمندان شعر رودکی پیشینهٔ هزار ساله دارد.

در این سیمینار شاید اشتراک کنندگان خاطره یی را که با خود بردند، همانا حرکت مؤدبانه داکتر سپنتا بودکه موصوف حینی که در جایگاه(ستیژ) قرار داشت، چشمش به پیرمردی که از جمله آموزگاران او در دوران مکتب افتاد، از جایگاه پائین شده به نزد او رفت و دست های او را با تواضع بوسید و سپس به جایگاه رفت و یاد آورشد که وی استاد او در دوران مکتب بوده است.

از پیام های مهم این سیمینار نام گذاری جادهٔ تورغندی - هرات به نام شاهراه رودکی و نامگذاری کتابخانه دانشگاه هرات به نام کتابخانهٔ رودکی بود.

در قطعنامه یی که در پایان سیمینار به تصویب رسید، نکات عمده آن عبارت بود از:

- نامگذاری لیسه یی درهرات، کابل یا بلخ به نام رودکی.

- یکی از پل هایی که افغانستان را به تاجیکستان پیوند می دهد به نام استاد رودکی نامگذاری شود.

- دیوان رودکی از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ به چاپ برسد.

بازی با کلمات

خبر عاجل!!!

ثامر

زمانی که حادثهٔ مهمی رخ می دهد و برای اولین بار می خواهند مردم را در جریان آن رویداد قرار دهند، در پرده های تلویزیون با خط درشت نوشته می شود "خبر عاجل". شنونده با شنیدن و دیدن این اعلان از هر مشغولیتی دست می کشد و بلافاصله تمام حواسش را متوجه خبر تلویزیون می کند.

اما شبکهٔ مخابراتی اریبا یا (ام تی ان) حدود یک ماه می شود با پخش اعلان مکرر چندش آور و صدا و سیمای نامرغوب گویندهٔ این اعلان از طریق تلویزیون، تحت عنوان "خبر عاجل!" هوش و خاطر تعدادی را مخدوش و پریشان ساخته است. از جانب دیگر، اصطلاح خبر عاجل را به باد مسخره گرفته است. در این روزها اگر خدای ناکرده خبر عاجلی هم روی دهد و از طریق رسانه ها پخش شود، مردم به یاد همان اعلان ام تی ان خواهند افتاد.

در چندین محفل شاهد هستم که، وقتی از طریق تلویزیون شنیده شد که خبر عاجل! همه سراسیمه متوجه شدند و بعداً دیدند و شنیدند که اعلان شبکهٔ مخابراتی ام تی ان است، با نثار کردن چند دشنام به ام تی ان و تلویزیون دوباره به صحبت های خویش ادامه دادند.



استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال در ولسوالی بهارک ولایت پنجشیر:

مسجد در دین و در فرهنگ اسلامی ما تجلی گاه عزت و عظمت مسلمانان و مظهر یکپارچگی آنان است

***

مسجد جای خوبی برای مطرح کردن حرف های مهم و سرنوشت ساز است.

***

مسجد بهترین جای برای دعوت مردم به سوی اصلاحات اجتماعی، پخش و ترویج کارهای نیکو و مبارزه با مفاسد و کارهای زشت است

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله و أصحابه أجمعین.

با سلام به همه فرماندهان عزیز و دلیرمردان صف شکن در حماسه های فراموش ناشدنی تاریخ کشور که از خود شاهکار و دست آوردهای بزرگی بجا گذاشتند، یقینا امروز ما در یکی از پایگاه های افتخار آفرین جهاد و مقاومت در ولایت پنجشیر قرار داریم، ضمن سپاس از برادر محترم حاجی حسن که این مسجد را اساس گذاشته لازم می دانم یاد آوری کنم در مسیری که تا این جا ما آمدیم، در پنجشیر خیلی آبادی صورت گرفته، پل ها، مکاتب و دیگر تأسیسات اعمار شده است، البته این دست آورد ها به همت والی جوان پنجشیر صورت گرفته که یکی از فرزندان جهاد و مقاومت است، این امر دلیل بر این حقیقت است که هرزه سرای های عناصری که جز تهمت کردن و نفرین گفتن به مجاهدین هنری دیگر ندارند بی اساس است، این عناصر می گویند مجاهدین جنگ سالارند و جز جنگ به کار دیگری بلدیت ندارند، همه می دانند که اگر بازسازی و آبادی در جایی صورت گرفته بیشتر توسط مجاهدین و فرماندهان جهاد و مقاومت صورت گرفته است، شما ببینید اگر در غرب کشور آبادی شده یا در مرکز و شمال و جا های دیگری، همه مربوط به مجاهدان می باشد و تحت ادارهٔ آن ها صورت گرفته است.

البته به ارتباط مسجد باید گفت، مسجد در دین و در فرهنگ اسلامی ما تجلی گاه عزت و عظمت مسلمانان است و مظهر یکپارچگی امت اسلامی است، اولین بنایی که در جهان اسلام به دست پیامبر گرامی ما گذاشته شده بنای مسجد است. آغاز تمدن اسلامی، آغاز تحول بزرگی که اسلام در جهان آورد، از مسجد شروع شد، خداوند در قرآنکریم می فرماید: **أعوذ بالله من الشیطان الرجیم، (الذین إن مکناهم فی الأرض اقاموا الصلاة و أتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الأمور)**

خداوند می فرماید: "مسلمانان کسانی اند که اگر آنها را در زمین مسلط بگردانیم، نماز بر پا می کنند، زکات می دهند، و به کارهای پسندیده امر می کنند و از کارهای بد باز می دارند و سرانجام کارها از آن خداوند است" اولین پایگاهی را که مسلمانان می سازند، پایگاه نماز و عبادت خداست، روی همین اصل می بینیم که پیامبر گرامی، اولین گامی که در جهت ایجاد جامعه و تشکیل نظام و دولت در مدینه می بردارد، ساختن مسجد است، مسجد در فرهنگ اسلامی در پهلوی این که یک مرکز عبادت و خدا پرستی است، مرکز اداره، مرکزرهبری، مرکز سیاست، مرکز فعالیت های نظامی، مرکز پخش ارز ش های فرهنگی، مرکز خدمات اجتماعی نیز می باشد، تحولات بزرگی که در جامعه اسلامی شروع می شود از مسجد شروع شده است. وقتی ما یک نگاه کوتاه در تاریخ اسلام می اندازیم، می بینیم که در زمان اوج قدرت و عظمت مسلمانان در زمانی که بناهای با شکوه مسلمانان به عنوان شاهکار در فن معماری ساخته شد، در این میان مسجد نقش عمده یی داشته است، پیامبر گرامی تصامیم مهم و تاریخی خود را در مسجد می گرفتند و خلفای مسلمان هم با پیروی از پیامبر بزرگ همین کار را می کردند.

خلفای مسلمان می کوشیدند تصمیم های نظامی و سیاسی شان را در مسجد بگیرند و حتی مسجد در پهلوی این که منبر دعوت و مرکز عبادت است، مرکز پخش علم و دانش، فکر و فرهنگ نیز است سلجوقی ها که یکی از سلسله های سلاطین مسلمان می باشند، در پهلوی مسجد شفاخانه یی که عملیات قلب انجام می داد بنا کردند این دست آورد علمی در آن زمان بی سابقه بوده و طبیبان مسلمان در این شفاخانه که در جوار مسجد بود، عملیات قلب را انجام می دادند. مسجد مرکز آشتی فرهنگ و مرکز رشد تفکر انسانی است. در گذشته در مساجد رواقهای مختلفی وجود داشت که دانشمندان مختلف و ائمه بزرگ هر یک در رواق خاصی خود شاگردان و پیروان خود را آموزش می دادند و تربیه می کردند.

پیروان امام عظم ابوحنیفه، امام مالک، شافعی، احمد ابن حنبل گروه هایی که تفکرات فلسفی داشتند، مانند معتزلی ها و سایر مفکرین هم، جایگاه بحث و صحبت شان مساجد بود، مسجد جای نشر تفکر، فقه و اندیشه اسلامی بود.

اما متأسفانه جایگاه مسجد کم کم در جامعهٔ مسلمان کم رنگ شده، هستند کسانی که با تبعیت از فرهنگ های غیراسلامی فکر می کنند مسجد جای سیاست نیست، در حالی که اگر ما مسجد را از سیاست دور بسازیم، در حقیقت ارزش اسلام را پائین می آورند و این گونه القا می کنند که گویا اسلام هم با دین خود ساخته و تحریف شدهٔ مسیحیت کنونی یکی است، در حالی که هیچ دینی نه دین یهودی و نه دین مسیحی از سیاست جدا نبودند. سیاست چیست؟ سیاست هنر ادارهٔ جامعه سیاست را می گویند، آیا ممکن است ادارهٔ جامعه در مقدس ترین مکان مورد بحث نباشد، آیا درست است بحث اداره و جامعه نظم و ارزش های قانون مندی را از مقدس ترین جای حذف کنیم. مسجد اصلا جای امر به معرف و نهی از منکر است، امر به معروف یعنی اصلاحات اجتماعی، پخش و ترویج کارهای نیکو و اصلاح جامعه ، نهی از منکر همین مبارزه با مفاسد و کارهای زشت، بهترین جایگاهی که این پیام به مردم باید برسد مسجد است. این جاست که نمی توان این حرف های نادرست را پذیرفت که دین از سیاست جداست، چه کسانی هستند که نمی خواهند در مسجد برای مردم سیاست مطرح نشود. نظام های جبار و دیکتاتورها و نظام هایی که بر ملت ها، تحمیل شده و نمی خواهند که وجدان مردم بیدار شود مردم متوجه مسؤولیت های شان شوند، آن ها هستند که نمی خواهند حقیقت ها و واقعیت ها، از طریق مسجد به گوش مردم برسد. مسجد جای خوبی برای مطرح کردن حرف های مهم و سرنوشت ساز است زیرا در بهترین حالت که انسان حرف ها را می پذیرد در حالتی است که تمام هوش وحواس او متوجه منبر و امام است و هر آن چیزی که از زبان امام می شنود در عمق وجدان، مغز و تفکر انسان اثر می کند. این جاست که بعضی ها نمی خواهند، سیاست در مسجد وجود داشته باشد. اما یقیناً جامعهٔ افغانستان و ملت مسلمان ما هرگز این حرف ها را نمی پذیرند. لذا کسانی که مسجد را اساس می گذارند، گام بسیار عمده و مهمی را در جهت اصلاح جامعه گذاشته اند.

یک نکته دیگر را نا گفته نگذریم که اگر تعمیر مسجد هر قدر خوب و زیبا باشد، اما اگر مسؤولان ادارهٔ مسجد که علمای دینی هستند، برای جلب مردم، برای دعوت مردم به سوی مسجد، مسؤولیت خویش را ادا نکنند، بازهم این ها وظیفه خود را درست انجام نداده اند، لذا آنچنان که در بنای مسجد توجه صورت می گیرد. باید در قسمت توصیهٔ انسانی که به مسجد می آید و نماز می خواند و در قسمت تربیت فرزندان مسلمانان توجه شود تا نماز بخوانند و به عنوان یک نسل دین دوست و مسجد دوست در آینده مسؤولیت های خود را به خوبی انجام دهند، این کار از وظایف علمای دینی ماست، آن تعداد از مسلمانان خیرخواه که مسجد را ساختند مسؤولیت خود را انجام دادند، اینک مسؤولیت به دعوتگران مسلمان است که چگونه از این مسجد در راه هدایت و سعادت مسلمانان استفاده کنند، البته این بسیار وظیفه سنگین و مهم است. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد این که دعوت چگونه صورت بگیرد به دعوتگران مسلمان می فرماید: "بشروا و لاتنفروا و یسروا و لاتعسروا" شما محبت مردم را به دین و دیانت زیاد کنید و مردم را از دین و دیانت متنفر نکنید. بر همین بنا بود که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم محبت مسلمانان به سوی اسلام هر روز بیشتر و بیشتر می شد. کسانی که دشمنان اسلام بودند با تأثیر از اخلاق عالی پیامبر و دعوت حکیمانهٔ پیامبر اکرم به صفوف اسلام می پیوستند. چون پیامبر طبق دستور قرآن دعوت می کرد، قرآن می فرماید: **(ادع إلی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن)** مردم را با حکمت و موعظهٔ نکو دعوت کن با شدت و خشونت و روشی که مردم را از مسجد و از عبادت متنفر می سازد دعوت نکنید. در جایی دیگر قرآن کریم می فرماید: **(و لوکنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک)** اگرپیامبر تو آدم سخت دل و با خشونت می بودی مردم از تو دور می شدند. باید امامان مساجد، دعوتگران و علمای دینی و دعوتگران البته همهٔ مسلمانان دعوتگر هستند. زیرا خدا می فرماید: **(کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله)** یعنی هر مسلمان وظیفه و رسالت دارد امر بالمعروف و نهی عن المنکر کند، امر بالمعروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی عنوان یک نظارت ملی را دارد، یعنی همه در این نظارت ملی سهم دارند. تنهاعلمای دینی نیستند بلکه تمام کسانی که ولو آشنایی اندک به دین دارند در دعوت امر به معروف و نهی از منکر سهم دارند.

یک بار دیگر برای برادری که مسجد را ساخته دعا خیر می کنیم.

و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته



به مناسبت صد و پنجاهمین سالگرد آغاز مبارزات سیدجمال الدین افغانی

بیدارگر بزرگ شرق

بخش سوم

پوهنمل سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

سید در مصاحبه با مدیر جریده له کورسپاندانس پاریزیئن، نقش انگلیس ها را در افغانستان ضرر بار تر از روس ها دانسته و گفته بود :" ...... ولی ضربتی که توسط انگلیس ها بر پیکر ما وارد شده است، زخم ناسور است که علاج آن نامکن می نماید، این نظیر زخمی است که بر پیکر فرانسه از طرف روس و آلمان وارد شده بود اولی فراموش شده است ولی دومی هر گز فراموش نشده و از یاد نخواهد رفت "

شیوه بیدارگری سید در خاور زمین از طریق عروهٔ الوثقی

سید برای آنکه در مشرق زمین ، مردم را در برابر وضع سیاسی ظالمانه استعماربشوراند،نخست باور حاکم در مشرق زمین را که به جاودانگی قدرت استعماری انگلیس داشتند به چالش گرفته و شرقیان را گوشزد می کندکه این قدرت استعماری ابدی نیست و عواملی دارد که با نابودی آن نابود می شود و از طریق جریده عروهٔ الوثقی می گوید :" زندگی ملت ها از خود وقت و زمان دارد و ابدی نیست ..اسباب استعمار ناتوانی کشورهای دربند و زنجیر استعمار است. آموزش.. اتحاد .. بیداری ..هوشیاری ..تمرد و قیام ...بلند کردن صدای اعتراض کشورها " باعث نابودی استعمار گردیده و" خداوند کار ساز مظلومان است" .سید این باور جاودانگی استعمار انگلیس را از طریق تشبیه استعمار به همان مجسمه داستانی در نزدیک شهر استخر در جنوب ایران به باد مسخره می گیرد و می گوید:" برتانیه کبیر هیکل بزرگ است و اشخا ص فریب خورده، زمانیکه تاریکی های سیاست، بر آنها چیره شوند، به این هیکل پناه می آورند و این اوهام و آوازها، آنها را به دیار مرگ می فرستد، من به این عقیده و اندیشه ام که مردمی به سیرآمده از زندگی و مرگ جو، به سوی این هیکل میروند و دیری نمی گذرد که بعد از ورود به این هیکل صدای یاس را شنیده و بعد از آن دیوار پاره شده و این دیوار می شکند ...."(۲۱)

سید با ذکر این داستان به مردم تلقین می کند که غیرت شما این باور شکنست ناپذیری استعمار را در هم می شکند وتسلیم در برابر این قدرت استعماری را لگد مال می کنید و سر نوشت خودرا به دست می گیربد و بربنیاد اراده خود سرنوشتش را تعین میکند:

عروهٔ الوثقی چگونه تاسیس گردید؟

به نگاه که چراغ انقلاب "احمد عرابی"- که برخاسته از از افکار سید بود- خاموش گردید و سلطه انگلیس در مصر استقرار یافت ، سید از طرف نماینده انگلیس در هند اجازه یافت که کلکته را ترک گوید مشروط بر اینکه روانه کشور های اسلامی نشود.

آری ! انگلیس هراس داشت که اگر سید روانه کشورهای اسلامی شود پلان های آن را نقش بر آب خواهد کرد .

سید تصمیم گرفت که رخت سفر را به سوی اروپا بر بندد، سید بعد از رفتن به لندن در اوخر سال ۱۸۸۲ مدت زیادی در آنجا نمانده و ازلندن عازم پاریس شد و شیخ محمد عبده را نزد خود خواسته و به اشتراک تعدادی از فضلای هندی و مصری جمعیت اسلامی یی را به نام" جمعیهٔ عروهٔ الوثقی" تاسیس نمود (۲۲).

شماره اول عروهٔ الوثقی در جمادی الاولی ۱۳۰۱هـ ق نشر گردیده و مدت هفت ماه به نشرات خود ادامه داده (مارچ –اکتوبر ۱۸۸۴ م) و هژده شماره آن نشر گردید.

عروهٔ الوثقی در این مدت نشراتی خود ، از شهرت جهانی بر خوردار گردیده و آواز و پیام خود را به همه جهانیان رساند و در هر مقاله خود به تفصیل در مورد حقوق شرقیان سخن گفته و مظالمی را که دامن گیر انها شده بود، تبیین و توضیح میکرد . این نشریه که مدیریت سیاسی آنرا سید و رییس تحریر آن محمد عبده بود، طبق گفته شکیب ارسلان به نقل از محمد عبده :افکار آن همه از سید بوده و عبارات آن همه از محمد عبده است (۲۳).

انگیزه های این جنبش بیدارگرانه سید را در کجا باید جست؟

مطالعه تاریخ زندگی بشر گویای این حقیقت است که حرکت های بیدار گرانه در درازای تاریخ جوامع انسانی به گونه یی مستمر جریان داشته وهیچ جامعه یی را نمی توان تصور نمود که در آن به گونه از گونه ها، این حرکت وجود نداشته باشد.

البته دواعی وانگیزه های این جنبش های بیدارگرانه باهم متفاوت بوده که می توان آن ها را در احیای زبان ، برتری نژاد ، ستم طبقاتی ، مظالم اجتماعی ، استبداد نظام های سیاسی و.....بخوانش گرفت.

.....اما این که انگیزه جنبش بیدارگرانه سید را چه چیزتشکیل می دهد، در گام نخست باید دید که شخص او در این راستا چه می گوبد:«......به سوی باشندگان کره زمین برگشتم ودر جستجوی مهمترین محور اختلاف در میان آنان شدم وآن را دریافتم که (دین) است سپس به مطالعه وکاوش دقیق پیرامون ادیان سه گانه موسوی، عیسوی ومحمدی پرداختم وبا تعمق فراوان وریشه یابی دقیق به این نتیجه رسیدم که اساس وهدف این ادیان یک اند واگر دریکی از آنها نقصی وجودداشته باشد دین بعدی آنراتکمیل کرده است و در نتیجه این کاوش، نوری در برابرم درخشید که باید پیروان این ادیان سه گانه باهم متحد شوند طوریکه در اصل وهدف یکی اند. باز متوجه شدم که کوره سنگ های فراوانی در مسیرم قرار دارد.....وهرکسی به این کار دست وپا زد آماج تکفیر، خروج از دین میشود.......نظر خود را متوجه شرق کردم...رو به سوی افغانستان اولین سرزمینی که بدنم بدان خورده است ، کردم ، متوجه هند، ایران جزیره العرب، شام، اندلس و اوضاع آنها شدم و فریاد های شرق، های شرق را طنین انداز کردم.(۲۴)

دومین انگیزه همانا باور سید به برتری شرق به عنوان مشرق نور وهدایت برای همه اطراف وگوشه های جهان بوده ودر تائید این باور خود هنگام گفت وشنود با یکی از بزرگان اروپایی در مورد اینکه شرق برتر است یا غرب می گوید:«در برتری شرق همین بس است که مردی از شرق برخاسته است که تا امروز اروپایی ها آنرا می پرستند»(۲۵) (منظور مسیح ع است).

سومین انگیزه همانا ایمان به وعده خداوند به برتری مسلمانان است ومشاهد وضع استعمارزدگی کشورهای اسلامی است که اورا وامیدارد تا فریاد الشرق ! الشرق را طنین انداز کند(ولا تهنٰوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مومنین)

و« کلمهٔ الذین کفروا السفلی و کلمهٔ الله هی العلیا"

چهارمین انگیزه را باید در بینش بیدار گرانه اسلامی جست که مسلمانان را به قیام در برابر خرافات ، استبداد و استکبار و فساد دعوت نموده و به جوامع محکوم به ستم، فساد و خرافات و بازی به آموزه ها و تعلیمات اسلامی مژده میدهد که در انتظار و چشم براه مجدد و بیدار گری باشند.

پیامبر ضمن حدیثی در پیوند به این موضوع بروایت ابو هریره می فرماید "ان الله یبعث لهذه الامهٔ علی رأس کل مائه سنهٔ من یجدد لها دینها"(۲۶)

به یقین که خداوند برای این امت در هر صد سال، کسی را می فرستد که دین اورا احیا وبازسازی کند .(۲۷)

چرا مبارزه بر ضد امپراطوری بریتانیه

سید جمال الدین افغانی به حیث نخستین پیشوا و زعیم جنبش های اسلامی در نیمه دوم قرن ۱۹ بر خلاف جنبش محمد ابن عبدالوهاب نجدی و محمد ابن علی سنوسی در نیمه اول همین قرن، مبارزه و حرکت جهادی خویش را در دو استقامت ذیل به پیش برد:

۱- مبارزه بر ضد اسلام گرایی همکار با استعمار انگلیس.

۲- مبارزه بر ضد استعمار و سلطه برتانیه درکشور های اسلامی.

ناگفته نباید گذاشت که این مبارزه سید همان گونه که آبشخور آنرا مخالفت به برقراری سلطه سیاسی و اقتصادی انگلیس در هند و مصر تشکیل میداد، مخالفت بر ضد قدرت و سلطه انگلیس در دوران منازعه خانواده حاکم افغانستان بر سر قدرت نیز بود که از دسایس و توطئه های حکومت انگلیس سر چشمه گرفته و باعث آن شد که سید، افغانستان را ترک گوید.(۲۸)

سید جمال الدین هنگام اقامتش در هند، این حقیقت را در ک کرده بود که قدرت در کشور هند از دست مسلمانان توسط انگلیس ربوده شده و بر همین اساس، عصیان در برابر این سلطهٔ اشغالگر امری بودطبیعی (۲۹). زمانیکه سید از اقناع حکومت انگلیس در خروج آن از سودان نومید گرید و نظر "لارد هر تینگتون" وزیر حرب انگلیس را در مورد مسلمانان از طریق شاگرد و نماینده اش، در باره مصر درک نمود، همه غم خود را متوجه افشا ی افکار و دسایس استعمارانگلیس نموده و آزادی کشور های اسلامی و شرقی را از مکاید آن طرح، و در مورد سیاست و برنامه های آن چنین گفت :" در هر کار مصلحت خواهانه آنان مفسدتی وجود دارد و در نیکی آنان بدی نهفته و در اخلاص شان خیانت مضمر است، انان فریب کار وخیانت پیشه اند و دروغ گو و منافق "(۳۰)

سید با این شناخت از قدرت استعماری انگلیس مبارزه خویش را در برابر آن استقامت داده و به ملت های خاور زمین به خواهی انگلیس را همان گونه تمثیل نمودکه علامه اقبال به حیث شاگرد مدرسه او در افشا گری سیاست انگلیس و ماهیت استعماری این امپراطوری غربی گفته بود :

گوهرش تفدارو در لعلش رگ است
مشک این سودا گر از ناف سگ است
لرد مغرب آن سراپا مکرو فن
اهل دین را دادتعلیم وطن
او به فکرمرکز و تو در نفاق
بگذر از شام و فلسطین و عراق

سید در مصاحبه با مدیر جریده له کورسپاندانس پاریزیئن، نقش انگلیس ها را در افغانستان ضرر بار تر از روس ها دانسته و گفته بود :" ...... ولی ضربتی که توسط انگلیس ها بر پیکر ما وارد شده است، زخم ناسور است که علاج آن نامکن می نماید، این نظیر زخمی است که بر پیکر فرانسه از طرف روس و آلمان وارد شده بود اولی فراموش شده است ولی دومی هر گز فراموش نشده و از یاد نخواهد رفت " (۳۱)

سید در این مصاحبه نقش انگلیس را در هند چنین به تصویر می کشد : "در مکتب جدید التاسیس هندی برای اطفال در آن کشور تدریس می شود که باید از انگلستان هراس داشته باشند، و بد تر از آن، برایشان توجیه می شود که اجداد خود را، به دیده تحقیر بنگرند، زیرا اجداد آنان قبل از آمدن انگلیس به حیث بنیانگذار تمدن، همه وحشی و ستم گر بودند "(۳۲)

سید عدم اتحاد مشرق زمین و مسلمان را در برابر استعمار انگلیس، باعث نابودی همه آنان دانسته و بقا وآزادی آنها را در گرو اتحادویکدستی شان مینگرد .

گوسفندی برد این گرگ مزور همه روز
گوسفندان دگرخیره در او مینگرند

پی نوشت ها:

۲۱- قدری قلعه چی / ثلاث من اعلام الحریه / ترجمه نهضت فراهی ص ۹۱-۹۲
۲۲- ابراهیم العدوی/ رشید رضا ص ٦۹/ سلسله اعلام العرب به نقل از نابغه الشرق ص٥٥
۲۳- محمود ابوریه /صیحه جمال الدین الافغانی ص ۱۰۳
۲٤- د.محمد البهی / الفکر الاسلای و صلته لااستعمار الغربی ص ۷٤-۷٥
۲٥- داکتر شاه عبدالقیوم /سید جمال الدین افغانی /شخیت و افکار ص۳۰
۲٦- محمود قاسم/ جمال الدین الافغانی ص۹٦ به نقل از نابغه الشرق ص ۱۱٦
۲۷- افغانی/ محمد سعید عبدالمجید / نابغه الشرق ص۹۲- ۹٤ و همچنان رجوع شود به کتاب ثلاث من اعلام الحریه فراهی
۲۸- د. محمدالبهی/ الفکر الاسلامی وصلته بالاستعمار الغربی صـ ۹۲ و ۹۳
۲۹-داکتر شاه عبدالقیوم/ سیدجمال الدین/ شخصیت وافکار صـ ۳۱
۳۰- د. محمودقاسم/ جمال الدین الافغانی / حیاته و فلسفته ص ۹٦
۳۱- روایت ابوهریره بروایت ابوداود در کتاب الملاحم ص٤٦۹ شماره حدیث ٤۲۹۱ که توسط حاکم ، بیهقی و ابن حجر صحیح دانسته شده است .
۳۲- کوسپاندانس باریزینین شماره ۳۸ مورخ بیست ۱۸۸٥ ارگان نشراتی جمهوری خواهان چاپ پاریس برگرفته از انترنت (مقاله بشیر احمد انصاری)

په اسلام اباد کې
د امن گډه جرگه گۍ
څه لاس ته راوړني لري؟



له اول مخ نه

د هغو ترهگریو مخنیوی او د دولت مخالفو مقاومتونو له مینځه وړل دي چې د بن د پریکړې وروسته زمونږ په هېواد کې راغلی نظام ورسره له څو کلونو، او پاکستاني دولت ورسره په دې وروستیو کې مخ شوی دی.

د سیمې د دواړو هېوادونو ترمینځه د امن گډه جرگه گۍ داسې مهال دایره شوه چې نږدې یوه میاشت وړاندې په سعودي عربستان کې د هغه هېواد په میلمستیا د افغانستان د دولت د استازیو او طالبانو او ځینې عالمانو په گډون د سولې د هڅو په توگه د لومړي ځل لپاره مذاکرات وشول، که څه هم د طالبانو استازي د هغه مذاکراتو په اړه له ډېرو وئېلو څخه ډډه کوله خو د هغه هېواد د بهرنیو چارو وزیر داېر شوي مذاکرات تائید کړل. اوس چې د امن په گډه جرگه کې گډونوالو: د پاکستان د غاړي د بهرنیو چارو وزیر شاه محمود قریشي، د سرحد ایالت والي اویس احمد غني چې د پاکستاني لوري د جرگې مشري یې په غاړه لرله او هم یې مرستیال غازي گلاب جمال او د افغانستان د غاړې د جرگې مشرانو ډاکټر عبدالله، فاروق وردگ او ځینې نورو د جرگې په لومړۍ او دوهمه ورځ کومې څرگندونې وکړې. له هغې جوتیږي چې د سیمې دواړه غاړې هېوادونه د پخوا په پرتله د طالبانو او نورو مخالفینو له مقاومت څخه ډېر په تنگ راغلي او دواړه لوري د دې هوډمن دي چې (خپلو مخالفینو سره روان کړکیچ د خبرو اترو او سولې لپاره د مذاکراتو له لپارې حل کړي، خو د جرگه گۍ پریکړه چې بنیادي ټکي یې دا ډول د جرگو غونډو ته دوام ورکول او د دوو کمیسیونو جوړول دي، چې یو کمیسیون به د دواړو دولتونو له مخالفینو سره د خبرو اترو د آغاز لپاره د مخالفینو سره د اړیکو ټینگولو دنده په غاړه لري او بل کمیسیون به د دواړو هېوادونو ترمینځه په دې هکله د گډې همکارۍ د ساتلو لپاره سیاسي اړیکي ساتي او هم به د جرگه گۍ د پریکړو د تطبیق لپاره څارنه په غاړه لري چې له مخې یې درې میاشتې وروسته بله جرگه گۍ په کابل کې دایریږي) د سیمې د دواړو غاړو د دولتونو مخالفو طالبانو رد کړل؛ د پاکستاني طالبانو مشر په جرگه گۍ باندې د خپلې تبصرې په جریان کې وویل چې جرگې د پښتنو عنعنوي غونډې او روایات دي خو هغه د قومونو د مشرانو ترمینځه او هغوی په نوبت وي، په داسې حال کې چې دا د دوو هېوادونو د چارواکو یوه گډه دوه حکومتي غونډه ده چې له غولولو او وخت تېرولو پرته بله معنا نلري همدا رنگه د کرزي دولت د مخالفو طالبانو ویاند ذبیح الله مجاهد د جرگه گۍ په هکله د طالبانو د دریځ په توگه رسنیو ته څرگنده کړه چې ترڅو بهرني ځواکونه په دې هېواد کې شتون ولري تر هغې نه د دولت سره د خبرو اترو امکان شته او نه په دې هکله کومه جرگه گټوره ثابتېداې شي. د "مجاهد" په وینا د سولې کیلي له امریک سره ده چې هغوی کله له افغانستان څخه وتلو آماده کیږي؟ په داسې حال کې چې له طالبانو سره خبرې اترې امریکا په دې شرط تائیدوي او ورڅخه ملاتړ کوي چې طالبان او د دولت نور مخالفین د افغانستان اساسي قانون ومني او دا هغه څه دي چې طالبان یې تر اوسه منلو ته ندي تیار شوي.

نو په اسلام آباد کې د شوې جرگه گۍ لاسته راوړنې د سیاسي شنونکو له نظره همدومره دي چې اوس پاکستان د افغانستان د دولت ستونزه درک کولاې شي او دا څکه چې اوس دغه هېواد هم له یوې خوا د طالبانو لخوا له یوې ورځې څخه بلې ته د دغه هېواد امنیت له گواښ سره مخ دی او له بلې خوا امریکایي بې پیلوټه چورکلو یې هم خوابده کړیده چې د تېرې چهارشنبې په ورځ د امریکا سفیر د پاکستاني مقاماتو لخوا بهرنیو چارو وزارت ته راغوښتل او ورته په سخته لهجه د خپگان څرگندول او اخطار ورکول د هغې ثبوت دی، خو له دې سره سره د جرگه گۍ له پریکړو څخه بل داسې مثبت ټکی نه په سترگو کیږي چې د روان کړکیچ د حل لپاره کړکۍ. خلاصه کړاې شي چې هغه د طالبانو په لوري کې د مذاکراتو په طرف لچک پیدا کول دي، البته په جرگه گۍ کې د پاکستان لوري په پېښور کې د افغان سرکونسل عبدالخالق فراهي د پیدا کولو د هڅو د گړندي کولو ژمنه وکړه چې د دې نتیجه به هم د وخت په تېریدو سره معلومه شي نور نو د جرگه گۍ کومه لاسته راوړنه نشته.

همدا رنگه په امریکا کې خپریدونکي واشنگټن پوست اخبار هم د جرگه گۍ له جریان څخه په رانقلولو کې کومه لاسته راوړنه نده په گوته کړې چې په اړه یې یو تفصیلي مطلب خپور کړی ؤ. له جرگې څخه راستنیدونکي افغاني غاړې رسنیو ته د جرگه گۍ د پریکړو په هکله د څرگندولو په مهال که څه هم خوښي څرگندوله او د لاسته راوړنو ادعاء لري چې ښایې نږدې راتلونکي یې حقیقت په ډاگه کړي خو تر څو چې د جرگې سره د اسلامي کنفرانس و اسلامي دولت د مخلصو او منلو عالمانو هڅې گډې نشي او یا په جرگه کې د دولت چارواکو په پرتله د هغسې خلکو گډون باوري نشي چې په ریښتینی معنی سوله خوښي او د کړکیچ دواړو لوریوته د باور خاوندان اوسي، ښایې داسې جرگې د هېواد د بودیجې د بې ځآیه لگښت پرته بله معنی ونلري.

افت شدید حاصلات تریاک ...

اما در گزارش کاخ سفید تصریح گردیده است که میزان حاصل دهی تریاک کاهش داشته است.

با توجه به حقایق موجود، در برآورد سطح تولید تریاک افغانستان، گزارش ادارهٔ ملی کنترول مواد مخدر کاخ سفید در مقایسه با گزارش سازمان ملل، به واقعیت نزدیک تر می باشد، طبق گزارش های معتبر، امسال در ۱۸ ولایت افغانستان کشت تریاک از میان رفته است، از جمله ولایات ننگرهار و بدخشان که در چند سال گذشته در مرتبهٔ دوم و سوم تولید کنندگان تریاک در افغانستان قرار داشتند، اما امسال ولایات خالی از کشت تریاک اعلان شده اند.

در سطح حاصلات دهی کشت تریاک نیز، گمان می شود بر آورد کاخ سفید به واقعیت نزدیک ترباشد. چون یکی از علت های اصلی افت تولید تریاک در افغانستان با این حال ضعف هایی در هر دو گزارش دیده می شود یکی از این ضعف ها نادیده گرفتن خشک سالی می باشد که در نتیجهٔ آن در برخی مناطق سطح حاصلات تریاک پایین آمده است اما به عامل و تأثیر آن در پایین آمدن سطح تولید تریاک اشاره نشده است. اشتباهی دیگری که در هر دو گزارش سازمان ملل و کاخ سفید دیده می شود، این است که، برنامه های دولت در زمینه مبارزه با تولید تریاک و همچنان تاثیر راه اندازی تبلیغات علیه کشت و تولید مواد مخدر بیش از حد برجسته قلمداد گردیده است.

درهر دو گزارش به استفاده تروریستان ازدر آمدهای ناشی از تولید وتجارت مواد مخدر اشاره شده است.

اشتباه در شناخت عوامل کشت مواد مخدر در افغانستان که در گزارش سازمان ملل و ادارهٔ کنترل مواد مخدر امریکا دیده می شود می تواند، برنامه های ملی و بین المللی را بی اثر ساخته و با وجود صرف هزینه های سنگین نتایج مطلوبی به دست نیاید. فقرو بیکاری در پهلوی ضعف و ناکارآمدی دولت، عومل اصلی کشت تریاک در افغانستان می باشد که در هر برنامه کنترل مواد مخدر در افغانستان باید مورد توجه قرار گیرد. کاهش فقر و ایجاد اشتغال از طریق ایجاد راه اندازی طرح های اساسی اقتصادی می توان تولید این مواد را در افغانستان ریشه کن ساخت.

درماندن طالبان در کشتن نان جویان ...

که مردم در محکومیت این حادثه در بسیاری از ولایات دست به تظاهرات زدند و این کار، طالبان که مدعی پاسداری از ارزش های دینی اند را به درماندگی کشاند.

طالبان ناگزیرشدند برای توجیه این عمل غیر انسانی و وحشیانه دست به توجیهاتی بزنند که بیشتر به "عذرهای بد تر از گناه" شباهت دارد.

طالبان بعد از آن که دیدند این ادعای آنان که می گویند جوانان کشته شده به اردوی ملی تعلق داشتند در برابر شواهد و اسناد به جایی نمی رسد و نمی تواند شناعت و فظاعت این جنایت را بپوشاند و یا از زشتی آن بکاهد به بهانه یی دیگر متوسل شدند، گفتند اگر به راستی آنان افراد اردوی ملی نبودند و عازم ایران بودند پس چرا پاسپورت نداشتند!! این سخن مهزله آمیز را ذبیح الله مجاهد سخنگوی رسمی طالبان به رادیوی کلید گفته است.

برپایهٔ اندیشه ها و منش های طالبان اگر کشته شدگان پاسپورت یا تذکره می داشتند باید کشته می شدند نه این که نداشتن پاسپورت دلیل کشته شدن آنان شود!

زیرا آنان با این کار گویا مردم را به التزام به رسوم و مقررات دولت وا می دارند و به گونهٔ مستقیم دولتی را که برضد آن گویا می جنگند به رسمیت می شناسند! در حالی که بارها دیده شده است که کسانی دیگر را به جرم داشتن اسنادی که نشان بدهد به دولت وابستگی دارند، کشته اند.

هر چند این درهم ریختگی منطقی و پریشانی استدلال از طالبان امری غریب نیست، اما رسیدن به این حدی از هذیان بی درنگ ناشی از وخامت مسأله و درماندگی طالبان برای توجیه این فاجعهٔ انسانی است.

طالبان در گذشته از چنین کارهایی زیاد انجام داده اند و برای آن

هر چند این درهم ریختگی منطقی و پریشانی استدلال از طالبان امری غریب نیست، اما رسیدن به این حدی از هذیان بی درنگ ناشی از وخامت مسأله و درماندگی طالبان برای توجیه این فاجعهٔ انسانی است

توجیهاتی نیز ارائه کرده اند. شمالی را به آتش کشیدند و خواجهٔ غار و جاهایی دیگر را، و آن را با آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم در برابر یهود در قینقاع و بنی نظیر و خیبر انجام داده بود قیاس کردند گویا مردمان شمالی و خواجهٔ غار و... را در بی دینی و موجبات قتال امثال یهودیان این سامان می دانستند!!

طالبان در سال گذشته وقتی خبرنگار ایطالیایی دانیل ماسترو جیه کومو و اجمل نقشبندی خبرنگار و رانندهٔ آنان را دستگیرکردند و سپس اجمل نقشبندی و رانندہ را که هر دو از افغانستان بودندکشتند و خبرنگار ایطالیایی را رهاکردند، کوس رسوایی خود را نواختند، به توجیهاتی از این قبیل دست زدند، توجیهاتی که جز به رسوایی نمی افزود.

راستی اگر این جوانان متعلق به اردوی ملی بودند باز کشتن شان درست بود؟

بزرگترین دلیل جنگ طالبان حضورنیروهای خارجی در کشور است، هر عاقلی می داند که ما برای بی نیازی از نیروهای خارجی باید نهادهای دفاعی و امنیتی کشور را تقویت کنیم، و اگر طالبان در مخالفت با حضور نیروهای خارجی صادق هستند نباید در برابر نیروهای اردوی ملی و پلیس ملی کینه توزانه تر برخورد کنند.

طالبان باید بدانند که چنین جنایاتی در هیچ دین و آئینی و در هیچ منطقی توجیه نمی پذیرد و جز آن که شناعت و فظاعت آن به رسوایی عاملان آن بینجامد دیگر پی آمدی نخواهد داشت.

آیا کشتن جوانی هفده ساله که پس از هژده روز از عروسی اش به دنبال نان برای کار یافتن برای زنده ماندن خودش و عیالش، خانواده اش را ترک می کند، می تواند با این شطحیات توجیه شود؟!

این فاجعه را نمی توان زیرنام مقدس جهاد توجیه کرد بلکه این فاجعه، فاجعه یی است که کشتن هر یکی از آن جوانان به تعبیر قرآن کریم به مثابهٔ کشتن همهٔ مسلمانان خوانده شده است، خداوند می فرماید: (من قتل نفساً بغیر نفس اوفساد فی الارض کانمأقتل الناس جمیعاً) و این کشتار جمعی از آن نوع کشتن هایی است که ریختن خون یکی از آنان مهم تر از ویران کردن خانهٔ خداست؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (لهدم الکعبهٔ أهون علی الله من دم امریء مسلم) و نه تنها با کشته شدن همهٔ این جوانان بلکه با ریختن خون تک تک آنان عرش خدا به لرزه در آمده است.

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

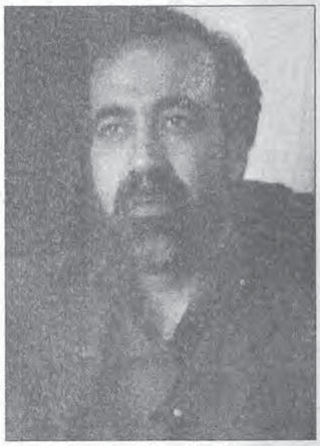
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست و دوم شنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۷ - ۳ ذوالقعده ۱۴۲۹ - 1 November 2008

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست



علی اکبر کاظمی سر پرست حزب اقتدار ملی درگفتگو بامجاهد:

دولت در قبال رویداد پانزدهم عقرب تحقیقاتی قناعت بخش انجام نداده است

مصاحبه کننده: عنایت

پانزدهم عقرب مصادف با سالروز شهادت مصطفی کاظمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نمایندگان و پنج تن از اعضای این مجلس در ولایت بغلان است که در اثر یک حادثهٔ تروریستی جام شهادت نوشیدند، به همین مناسبت حزب اقتدارملی نشست مشورتی را با گردانندگان رسانه ها در کابل برگزارکرد. داکتر علی اکبرکاظمی سر پرست حزب اقتدار ملی و از برگزارکنندگان این نشت در گفتگویی اختصاصی با هفته نامهٔ مجاهد در مورد این نشست گفت: در آستانهٔ سالگرد شهادت کاظمی و همراهانش خواستیم جلسهٔ مشورتی با گردانندگان رسانه ها دایر نماییم تا مراسم سالگرد شهادت شهید کاظمی را با شکوه تمام تر برگزار کنیم. وی افزود: آقای کاظمی متعلق به یک قوم و سمت خاص نبود او متعلق به همهٔ کشور و یک جهادگر توانا و شخصیت فعال در تمام عرصه ها بود. ما از مسؤولان رسانه ها دعوت کردیم که تشریف بیاورند و از آن ها خواستیم مراسم سالگرد شهدای بغلان را تحت پوشش خبری قرار دهند.

آقای کاظمی در این مصاحبه به کوتاهی و بی توجهی دولت در زمینهٔ بررسی و کشف دستگیری عاملین حادثهٔ بغلان اشاره نموده افزود: دولت افغانستان در قبال رویداد پانزدهم عقرب که منجر به شهادت شش تن از اعضای شورای ملی شد تحقیقاتی قناعت بخش انجام نداده ست. ادامه در ص۴

بزرگ داشت از رودکی در هرات

فاضل



از هزارو یکصدو پنجاهمین سالروز تولد ابوعبدالله جعفربن محمد رودکی سمرقندی پدر شعرفارسی دری در شهر باستانی هرات، طی سیمیناری پژوهشی فرهنگی بزرگداشت صورت گرفت.

این سیمینار به تاریخ ۵-۶ عقرب به ابتکار وزارت امور خارجه انعقاد یافته بود که در آن شماری از دانشمندان و ادیبان کشور مثل رهنورد زریاب، برزین مهر، محب بارش، عبدالعلی کوهی، داکتر عبدالغفور آرزو، پرتونادری، منیژه باختری، سیدمخدوم رهین، گلنوربهمن، حلیم تنویر، رهیاب، فقیهی و دیگران اشتراک ورزیده بودند.

آقایان اکرام الدین نعمتوف مشاور وزارت خارجه تاجیکستان و احمدوف از اکادمی علوم تاجیکستان، سفیر ایران در کابل، سرقونسل ایران در هرات، وعده یی از رایزنی فرهنگی ایران نیز، در این سیمینار حضور به هم رسانده بودند.

در این سیمینار دو روزه که با خوانش پیام حامدکرزی رئیس جمهور و بیانیه داکتر اسپنتا وزیرامور خارجه آغاز یافت، دانشمندان در چهار نشست مقالات و نبشته های خویش را پیرامون شعر، سبک، زندگی و عصر رودکی و همچنان عصر سامانی به خوانش گرفتند.

این سیمینار در سالون ولایت هرات برگزار شده بود، به خاطر مسایل امنیتی، شمار دعوت شدگان اندک بود که در نشست دوم روز نخست سیمینار، تعداد اشتراک کنندگان از ۲۰ تن تجاوز نمی کرد، از همین رو در روز دوم سیمینار با دعوت از دانشجویان دانشگاه هرات، سیمینار رونق دیگر یافت.

اشتراک کنندگان سیمینار از آرامگاه خواجه عبدالله انصاری، و خانه جهاد نیز بازدید نمودند.

مقالات سیمینار به خاطر این که شمار آن به بیش از ۲۰ مقاله می رسید، محتوای تکراری داشتند که به گفته داکتر سیدمخدوم رهین نظر به میراث بازمانده از سروده های رودکی، حرف جدید گفتن در مورد او دشوار است. ادامه در ص۴

رویداد های مهم هفته

حملهٔ انتحاری در بغلان

انتحار کننده یی در بامداد روز دوشنبه ۶ عقرب بر فرماندهی پلیس ولایت بغلان حمله کرد و دو تن از سربازان خارجی و یک کودک را کشت. والی بغلان گفته است انتحار کننده با استفاده از لباس پلیس مواد انفجاری را که به بدنش بسته بود داخل فرماندهی پلیس ولایت بغلان نمود و قصد داشت تا فرمانده پلیس را آماج قرار دهد، اما به دلیل تدابیر امنیتی موفق به این کار نشد و خود را در مدیریت جنایی این فرماندهی منفجر ساخت، گفته شده دو سرباز دیگر خارجی و پنج فرد پلیس در این حمله مجروح شده اند.

رهایی همایون شاه آصفی از چنگ رابایندگان

ریاست عمومی امنیت ملی روز یکشنبه ۵ عقرب همایون شاه آصفی و پسر معاون عزیزی بانک را که هفته گذشته ربوده شده بودند از چنگ رابایندگان آزاد ساخت. مسؤولان امنیتی گفته اند که این افراد را از منطقهٔ تره خیل ولسوالی ده سبز آزاد ساختند که ربوده شدگان در داخل یک چاه نگهداری می شدند. این عمل ریاست امنیت ملی یکی از دست آوردهای مهم این نهاد خوانده شده است. رئیس عمومی امنیت ملی در یک نشست خبری در کابل گفت که اگر مجرمان مجازات نشوند، این روند ادامه می یابد.

ادعای غصب ۲۰ هزار جریب زمین توسط برادران رئیس جمهور

نورالحق علوم نماینده مردم قندهار در مجلس نمایندگان، روز یکشنبه ۵ عقرب زمانی که وزیر دفاع برای پاسخ دهی در مورد استراتژی ملی نظامی، ساختن نیروهای اربکی و غصب ملکیت های آن وزارت به کمیسیون اموردفاعی مجلس نمایندگان حاضر شده بود، گفت که تقریبا ۲۰ هزار جریب زمین ملکیت وزارت دفاع ملی توسط برادران رئیس جمهور غصب شده است، آقای علوم به ولایت قندهار اشاره کرده و آن را نمونه آورد. وزیر دفاع نیز غصب ملکیت های وزارت دفاع را پذیرفت اما در مورد برادران رئیس جمهور چیزی نگفت.

کشته شدن یک فرمانده طالبان در کاپیسا

مسؤولان ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرده اند که یک فرمانده طالبان را که مسؤولیت فرماندهی یک گروه ده نفری را داشت، کشته اند. دفتر مطبوعاتی ریاست امنیت ملی در اعلامیه یی گفته است این فرمانده در عملیات مشترک نیروهای امنیت ملی و پلیس در ولسوالی نجراب کشته است. تاریخ دقیق این رویداد مشخص نشده است.

کشته شدن هشت محافظ شرکت راه سازی در غزنی

رسانه ها گزارش دادند که حداقل هشت نفر از محافظان امنیتی یک شرکت خصوصی راهسازی در ولایت غزنی، روز یکشنبه ۵ عقرب در اثر یک حمله هوایی نیروهای خارجی کشته شده اند.گفته شده که این محافظان امنیتی زمانی هدف بمباران هوایی قرار گرفتند که با گروهی از شورشیان مربوط به طالبان درگیر شدند و نیروهای خارجی به هدف سرکوب این شورشیان، محل را بمباران کرد.

مقامات محلی در غزنی این را هم اعلام کرده اند که در جریان بمباران نیروهای خارجی در این محل، شماری از جنگجویان مسلح نیز کشته شده اند.